

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدهاشم سدید

اول جولای ۲۰۱۱

می بیند، که راه سوم هم وجود دارد!؟

به تاریخ ۲۰۱۱/۶/۱۷ طی مقاله ای نوشتم که غیر از جنگ و غیر از ایجاد پایگاه ها در افغانستان، راه های دیگری هم برای پایان دادن جنگ، تأمین صلح، آوردن آرامش در این کشور و خاتمه دادن به دشمنی های همسایه ها با ما وجود دارد. راه های مثبت و عقلانی سیاسی - دیپلماتیک که می تواند کشور های همسایه و کشور های منطقه و جهان را هم از تشویش هائی که نسبت به وجود ناآرامی ها، وجود بحران ها، وجود جنگ ها، وجود رقابت های قدرت طلبانه میان اقوام و میان احزاب سیاسی افغان ها، وجود رقابت های کشور های منطقه و جهان بر سر افغانستان و حضور بیگانه ها در این کشور دارند، برهاند.

این پیشنهاد حاوی چنین عباراتی بود:

"اگر امریکائی ها واقعاً در نظر دارند که افغانستان را کمک کنند - چه در راستای تأمین امنیت آن و دفع توطئه های همسایگان و چه در راستای بازسازی و نوسازی آن، بهتر است به جای این قدر مصرف نظامی و کشتن و کشته دادن موضوع افغانستان را به شورای امنیت ملل متحد مطرح نموده و قطعنامه ای را با توافق و همکاری سائر اعضای این شورا به تصویب برسانند که بر مبنای آن افغانستان در منطقه و جهان از همان سیاست و حیثیتی بهره مند شود که سوئیس در اروپا و جهان از آن برخوردار است. با این عمل هیچ کشوری - نه هند، نه پاکستان، نه چین، نه روسیه، نه ایران، نه امریکا و ... - هیچ یک از این ناحیه تشویشی نخواهند داشت. ضمناً به تمام کشور های مداخله گر جداً هشدار داده شود که تخطی از این قطعنامه پی آمد های جدی در قبال خواهد داشت.

از آنجائیکه هیچ کشوری، به خصوص کشور های منطقه با حضور نیرو های امریکا در افغانستان موافق نیستند، با یقین کامل می توان گفت که همه کشور های جهان با خوشی تام و تمام با این پیشنهاد موافقت خواهند کرد."

این نوشته، نوشته ای نبود که علاقه مندان به موضوع جنگ و صلح و ایجاد پایگاه های نظامی امریکا در افغانستان، خصوصاً آنانی که علاقه مند دانستن نظرات افغانان در این زمینه ها هستند، یا آنگونه که خود می گویند، در پی یافتن یک راه حل برای مشکل افغانستان می باشند، باید در برابر آن سکوت می کردند.

چنین نظر، یا راه حلی هم بالاخره یک راه حل یا یک نظر است، که با وجود بکر بودن آن نسبت به راه های حل دیگر، خصوصاً با وضعیتی که ما داریم، برای ما بسیار زیاد مفید و سازنده است. خوب؛ از قدیم گفته اند که: "مرد ها را یک گپ است." یا این که: "سر خر بالا شدن یک عیب و پائین شدن آن یک عیب." آدم باید یگان جای پامردی نشان بدهد!

باید گفته شود که چنین موضع گیری ها نشان دهنده آن است که علاقه مندی این حلقه ها تنها در همان حوزه هائی گسترش می یابند و همان نظریاتی را استقبال می کنند که درستی نظریات خود شان را مورد تأیید قرار داده باشد. و اگر جا جا و گاه گاه نظر مخالفی را هم نشر می کنند یا برای این است - اگر آن نظریات در طفولیت نمرند و در نزدیکی هائی قبر گوره ها (قبر گورا) خپ و چپ مدفون نشوند، یا فووش آن نظریات در جوانی جوانمرگ نشوند - که حجم نظریات چاق شود و یا این که مردم نگویند که: چه؟ هیچ نظر مخالفی در این زمینه وجود ندارد؟ چطور ممکن است؟ و ... به هر حال چنین هم نبوده که این خبر انعکاسی نداشته است.

امروز وقتی خبری را که نقل از رادیوی آزادی است و حاوی همان پیشنهادی که من نموده بودم - با این تفاوت که من مثال سوئیس بی طرف را داده بودم و وزیر خارجه امریکا مثال تاریخی بلجیم را. وقتی خانم کلنتون از سوئیس آسیای میانه سخن به میان می آورد منظورش بیشتر آبادی و زیبایی این کشور است، نه بی طرفی آن - در بخش نظریات سایت افغان - جرمن خواندم، به این باور شدم که همین خرده نظرات هم می توانند گاه گاه به عنوان جرقه ای سبب برافروختن آتشی شوند که در روشنی آن راه هائی را دید و در گرمای آن دستانی را گرم کرد. بهتر است شما هم این خبر را بخوانید:

"امریکا می خواهد مثال تاریخی بلجیم را در افغانستان عملی کند. واشنگتن تلاش ها را برای تبدیل کردن افغانستان به سوئیس آسیای میانه ترک نموده و اکنون می خواهد که مثال تاریخی بلجیم را در این کشور عملی کند. مقامات امریکائی می گویند: متوازن ساختن رقابت های هند و پاکستان در افغانستان، مشکل عمده بار آورده است. پاکستان که در ده ها سال اخیر تلاش کرده است که نفوذ هند را در افغانستان محدود بسازد، می تواند در تشویق و یا بازداری طالبان برای صلح در افغانستان نقش عمده بازی کند .

وزیر خارجه امریکا هیلاری کلنتون در اشاره به مشکلات افغانستان اخیراً گفته است که اگر به تاریخ گذشته عمیق نگاه شود، می توان راه حل برای مشکل افغانستان پیدا کرد. به گفته وزیر خارجه امریکا، کنگره سال های ۱۸۱۴ و ۱۸۱۵ که در نتیجه آن یک دولت حایل و بی طرف در بلجیم تشکیل گردید، می تواند یک نمونه خوب برای افغانستان هم باشد. روزنامه فایننشیل تایمز در این مورد نوشته که مقامات امریکائی گفته اند که تلاش های دیپلماتیک واشنگتن اکنون واقعاً بر ایجاد یک معاهده منطقه ئی تمرکز می کند که در نتیجه آن کشور های منطقه تعهد خواهند کرد که در رقابت های ذات البینی خود از افغانستان به حیث میدان جنگ استفاده نخواهند کرد.

در پاسخ به این سؤال سناتور حزب جمهوریخواه ریچارد لوگر در مورد اهمیت یکجا نمودن روسیه، هند و پاکستان در موضوع افغانستان، وزیر خارجه امریکا خانم هیلاری کلنتون گفت:

مثال کنگره وینا می تواند نمونه خوب برای افغانستان هم باشد. او افزود: کنگره وینا یک مثال جالب تاریخی می باشد، زیرا در آن یک معاهده بین قدرت های منطقه ئی ایجاد شد که کشورهای بنی لوکس یعنی بلجیم، هاند و لوکزامبورک به حیث زون آزاد یا بی طرف معرفی شدند. خانم کلنتون افزود: اگر قدرت های منطقه ئی در جنوب شرق آسیا به این نقطه برسند، این یک نتیجه با ارزش خواهد بود .

حکومت افغانستان و وزارت دفاع این کشور نظر خانم کلنتون را در مورد تبدیل کردن افغانستان به یک زون بی طرف و حایل استقبال می کنند. سخنگوی وزارت دفاع افغانستان به روزنامه فایننشیل تایمز گفته است: آوردن صلح در افغانستان بدون همکاری کشور های منطقه ناممکن است، زیرا این کشور ها در بحران افغانستان نقش عمده دارند. اما با در نظر داشت رقابت های تاریخی، هند و پاکستان که در جریان جنگ افغانستان از گروه های مخالف یکدیگر حمایت می کردند، حتی اگر افغانستان یک کشور بی طرف هم اعلان شود، باز هم بر صداقت طرف مقابل اعتماد نخواهند داشت.

حمایت پاکستان از طالبان و اختلافات اخیری که حکومت افغانستان پاکستان را به فیر بیش از ۴۷۰ راکت به خاک افغانستان متهم می سازد، رسیدن به چنین یک معاهده را مشکل می سازد. به نوشته روزنامه، بدون شک در مذاکرات سه جانبه بین افغانستان، پاکستان و امریکا، از این به بعد هر بار این موضوع بررسی خواهد شد تا مشکلاتی که در راه رسیدن به آن وجود دارد حتی الامکان رفع شود."

از حرف های امروز اگر بگذریم، من سال ها قبل همین پیشنهاد را که حل مشکل افغانستان بدون همکاری تمام کشور های منطقه ممکن نیست، نموده بودم. (یادم نیست که این موضوع را در کدام یک از مقالات خویش یاد نموده بودم، و الی رفرنسی به آن می دادم). همچنین نوشته بودم که تلاش امریکا برای ساختن افغانستانی که تنها به فکر منافع خود و منافع امریکا باشد به جایی نخواهد رسید. کشور های منطقه، مانند ایران، ترکیه، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان، روسیه، چین، هند، تاجکستان و عربستان، به شمول امریکا و انگلیس و فرانسه و المان، که فعلاً در عمل در افغانستان درگیر هستند، باید در راستای به وجود آوردن یک افغانستان بیطرف که برای هیچ کشوری در منطقه و در جهان خطری را ایجاد نکند - جهان باید عقل خود را به کار بیندازد که افغانستان کجا و ایجاد کردن خطر برای دیگران کجا - دور هم بنشینند و در مورد افغانستان به یک تعهد و توافق جمعی که در آن منافع همه تضمین شده باشد، برسند.

از آنجا که این انتخاب بهترین انتخاب برای حل معضله افغانستان و برای رهائی منطقه و جهان از مخصه های مختلف است، نویسنده این سطور ضمن تکرار حرف های قبلی خویش از این نظر خانم کلنتون - اگر به حرف خویش صادق باشند و واقعاً بخواهند آن را در عمل پیاده کنند - برای آن که افغانان آرام شوند و افغانستان از تاخت و تاز ها نجات یابند، قلباً استقبال می کند.

چون مسأله افغانستان فعلاً به بن بست رسیده است و امکان آن می رود که با یک چرخش کوچک وضعیت بدتر از وضعیت فلسطین را به خود بگیرد، مطمئن هستم که این پیشنهاد را دیگران هم قبول خواهند کرد. دلیل این اطمینان را، با وجودی که در بالا آن را یکبار ذکر نموده ام، تکرار می کنم. توجه کنید:

"از آنجائیکه هیچ کشوری، به خصوص کشور های منطقه با حضور نیرو های امریکا در افغانستان موافق نیستند، با یقین کامل می توان گفت که همه کشور های منطقه و جهان با خوشی تام و تمام با این پیشنهاد موافقت خواهند کرد."

در اخیر آرزو می کنم که هموطنان عزیز ما به جای طرفداری از ایجاد پایگاه های نظامی امریکا در افغانستان، که نه تنها مشکلات ما را حل نمی کند، بلکه باعث افزایش بی اعتمادی و خصومت بیشتر میان کشورهای منطقه و ما می شود، از این پیشنهاد که افغانستان به یک کشور بی طرف و حایل میان کشورهای دیگر پنداشته شود، حمایت کنند و نگذارند - باز هم تکرار می کنم - نگذارند که این جنگ خانمان سوز و بی حاصل تا جایی ادامه پیدا کند که دود ما به هوا شود و خود ما خاکستر.

هموطنان عزیز ما نباید فراموش کنند که فشار های ممتد و دامنه دار آن ها از طریق نوشته های زیاد و مستمر در روزنامه ها، مجله ها، سایت های اینترنتی، فیس بوک ها، رادیو ها و تلویزیون ها، به خصوص راه اندازی تظاهرات و راهپیمائی ها، اثرات بسیار سازنده را در این زمینه به جا خواهد گذاشت. به نظر من هیچ حرکت دیگری در همین برشی از زمان نسبت به براه انداختن حرکتی در خط تأیید این پیشنهاد برای کشور ما موثر و مفید نخواهد بود.

سخن من با هموطنان ما در همین حد بود؛ ولی با جهان، سخن من هنوز تمام نشده است. توقع دیگر من از جهان این است که پس از تبدیل کردن افغانستان به یک زون بی طرف و حایل باز هم افغانستان را به دست فراموشی نسپارند و نگذارند که مردم کماکان به جان هم بیفتند و یکدیگر را ببلعد و بدرند و باز هم شهر ها را با خاک یکسان کنند و قبرستان ها را تا آنجا بگسترانند که آخری برای آن متصور نباشد! جهان اخلاقاً و وجداناً مدیون این ملت است! این مدیونیت را جهان نباید فراموش کند! سی و اند سال جنگی که جهان - بلاک شرق و بلاک غرب - بر این ملت تحمیل نموده است، ما را دو صد سال به عقب برده است. ما از همه جهان توقع داریم که این مکلفیت وجدانی و اخلاقی خویش را جدی گرفته و کاری کنند که ما بتوانیم این فاصله دو صد ساله را از بین ببریم و در جایی قرار بگیریم که اگر بر ما جنگ ها تحمیل نمی شد، ما در آن جا قرار می داشتیم. امیدوارم که هموطنان ما، خصوصاً این صدا را جدی بگیرند!!